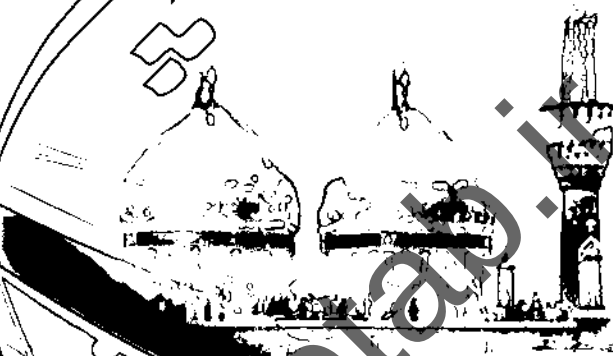


زندگانی امام جواد



زندگانی امام جواد از ولادت تا شهادت

علامه سید محمد کاظم قرنی بنی محمد علی

مترجم: استاد سید محمد صالحی

انتشارات
یاس پبلیش
www.yasbehesht.ir



سرشناسه	: قزوینی، محمد کاظم، ۱۳۷۳-۱۳۰۸
عنوان قراردادی	: الامام الجواد علیه السلام من المهد الى اللحد، فارسی.
عنوان و نام پدیدآور	: زندگانی امام جواد علیه السلام از ولادت تا شهادت محمد کاظم قزوینی؛ مترجم محمد صالحی.
مشخصات نشر	: تهران: باب، بهشت، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری	: ۳۴۸ ص
شابک	: 978-964-9916-39-2
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
موضوع	: محمد بن علی (ع)، امام نهم، ۱۹۵ - ۲۲۰ ق.
شناسه افزوده	: صالحی، سید محمد ۱۳۱۳ - مترجم
رده بندی کنگره	: ۴۸۸BP/ق ۴۱: ۸۰۴۱۰۸۰۴۱
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۹۵۸۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۲۵-۷۴۸

زندگانی امام جواد علیه السلام

از ولادت تا شهادت

مولف:	علامه سید محمد کاظم قزوینی
مترجم:	استاد سید محمد صالحی
نوبت چاپ:	اول، ۱۳۹۰
چاپ:	علامه طباطبائی
تیراژ:	۵۰۰۰ جلد
قیمت:	۸۰۰۰ تومان
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۹۹۱۶-۳۹-۲



www.yasebeheshht.ir



خیابان انقلاب - روبروی دانشگاه تهران - خیابان فخر رازی - کوچه فاتحی داریان
 پلاک - ۱۴ واحد - ۴ تلفن: - ۶۶۴۸۸۴۶۶۷ ۶۶۴۸۱۴۵۸، همراه: ۰۹۱۲۳۲۰۳۲۲۵

- ۴۱..... علت دشمنی ستمگران با ائمه اطهار علیهم السلام چیست؟
- ۴۲..... مأمون عباسی.....
- ۴۵..... ملاقات گروه‌های مختلف علمی با امام جواد علیه السلام.....
- ۴۶..... موضع مأمون درباره امام جواد علیه السلام.....
- ۴۸..... مأمون دخترش را به عقد امام جواد علیه السلام در می‌آورد.....
- ۴۹..... چه اتفاقی بعد از ازدواج افتاد؟.....
- ۵۰..... معجزه امام جواد علیه السلام از درخت سدر.....
- ۵۱..... خلافت منتصم عباسی.....
- ۵۲..... ام‌الفضل دختر مأمون.....
- ۵۳..... یحیی بن اکثم.....
- ۵۶..... مناظره یحیی بن اکثم با امام جواد علیه السلام.....
- ۵۷..... پاسخ امام جواد علیه السلام به احادیث ساختگی.....
- ۶۰..... قاضی احمد بن ابی ذؤاد.....
- ۶۰..... امیرالمؤمنین لقب خاص امام علی علیه السلام.....
- ۶۲..... فرزندان امام جواد علیه السلام.....
- ۶۴..... دختران امام جواد علیه السلام.....
- ۶۵..... فصل دوم: اصحاب امام جواد علیه السلام.....
- ۶۷..... فهرست اسامی اصحاب امام جواد علیه السلام.....
- ۷۹..... ضمانت پیامبر صلی الله علیه و آله بر عدم گمراهی اُمت.....
- ۹۰..... ادعیه الوسایل الی المسایل.....
- ۹۱..... مناجات برای استخاره.....
- ۹۲..... مناجات برای آموزش گناهان.....
- ۹۳..... مناجات برای سفر.....
- ۹۳..... مناجات برای طلب رزق.....

۹۵.....	مناجات برای استعاذه.....
۹۵.....	مناجات در طلب توبه.....
۹۶.....	مناجات در طلب حج.....
۹۷.....	مناجات برای برطرف شدن ظلم و ستم.....
۹۸.....	مناجات در شکر برای خدای متعال.....
۹۹.....	مناجات در طلب حوائج.....
۱۰۴.....	زیارت امام رضا علیه السلام معادل هزار حج و هزار عمره.....
۱۱۲.....	فضیلت زیارت امام رضا علیه السلام
۱۱۸.....	ثواب احیای شب قدر.....
۱۱۸.....	دیه قطع دست.....
۱۲۱.....	چه کسی در دنیا زاهد است.....
۱۲۲.....	زندگانی آدم ابوالبشر.....
۱۲۴.....	احکام ارث.....
۱۳۲.....	معنی لا تدرکه الابصار.....
۱۳۳.....	معنی لا تدرکه اوهام القلوب.....
۱۳۴.....	معنای واحد.....
۱۳۵.....	معنای صمد.....
۱۳۹.....	امام جواد علیه السلام و فن مناظره.....
۱۵۱.....	درمان بیماری لقوه.....
۱۵۳.....	چگونگی تقسیم ارث زن.....
۱۵۴.....	احکام بردگی و ولا.....
۱۵۶.....	جهاد بر چند قسم است.....
۱۶۳.....	حقایق مهمی درباره اهل بیت علیهم السلام
۱۶۸.....	گناهان کبیره.....

معنای آیه اولی لک اولی.....	۱۷۴
تعویذ امام جواد (ع) برای فرزند بزرگوارش امام هادی (ع).....	۱۷۴
دعای رزیت هلال ماه مبارک رمضان.....	۱۸۳
فصل کنیه اصحاب.....	۲۷۸
فصل زنان.....	۲۸۲
فصل سوم: دعا‌های امام جواد (ع) و چگونگی شهادت آن حضرت (ع)	۲۹۱
حرز امام جواد (ع).....	۲۹۳
کلمات قصار امام جواد (ع).....	۲۹۸
کیفیت بیعت زنان با رسول خدا (ص).....	۳۰۳
دعای امام جواد (ع) در قنوت.....	۳۱۶
دعای دیگر امام (ع) در قنوت.....	۳۱۷
حرز دیگری از امام جواد (ع).....	۳۱۹
حرز دیگری از امام جواد (ع).....	۳۱۹
چگونگی شهادت امام جواد (ع).....	۳۲۰
امام هادی (ع) و خبر شهادت پدر بزرگوارش (ع).....	۳۲۲
بر امام جز امام نماز نمی‌خواند.....	۳۲۴
مرقد شریف او.....	۳۲۵
نثر و شعر درباره امام جواد (ع).....	۳۳۱
گفتار پایانی.....	۳۴۶
منابع این کتاب.....	۳۴۷

مقدمه

ستایش می‌کنم خدایی را که به نعمت خود، کارهای نیک را کامل می‌کند و به رحمت خود گناهان را محو می‌سازد و درود خدا بر سید و مولا و نبی ما محمد ﷺ سید سادات و بر آل او پاک‌ترین مخلوقات و لعنت بر دشمنان او از حال تا روز قیامت باد.

خدایا! درود بفرست بر محمد بن علی بن موسی، علم‌التقی و نورالهدی و معدن وفاء و شاخه ازکیاء و خلیفه اوصیاء امین تو بر وحی.

خدایا! همان‌گونه که به وسیله او ما را از گمراهی هدایت کردی و از حیرت نجات دادی و به وسیله او کسی که هدایت یافت را ارشاد کردی و کسی که پاک شد را پاک گرداندی، پس بالاترین درودت را که بر هر یک از اولیانت و دیگر اوصیانت فرستاده‌ای، بر او بفرست؛ همانا که تو عزیز و حکیمی.

آنچه در این کتاب خواهید خواند بعضی از مطالب پیرامون زندگی امامی از انمه اهل بیت‌النبوّه و موضع‌الرساله و مختلف‌الملانکه و مهبط‌الوحی و معدن‌الرحمه است؛ خدا او را در بالاترین قله عظمت و برترین شرف و اوج جلالت و سیادت قرار داده است.

به‌راستی چگونه می‌توانم از این امام بزرگ سخن بگویم در حالی که ما در زمانی هستیم که ارزش‌ها از بین رفته و موازین مختل شده است. ارزش‌ها و مفاهیم مهجور گردیده و جوانب مادی‌گری بر افکار و اقلام چیره گشته و مسلمانان حقایق ثابت را فراموش کرده‌اند و بعد از اینکه این عقاید بر آن‌ها مسلط شد، به جریان‌ات سیاسی رنگ دین دادند و به نام دین با دین می‌جنگند و با اسلام به اسم اسلام مبارزه می‌کنند و چه تأسفبار است که گاه این عمل نادرست را از روی عمد یا نادانی انجام می‌دهند.

بدین طریق، مذاهب تشکیل شدند، طوایف به وجود آمدند. راه‌های جدید پیدا شد و مسلمانان، گروه گروه و حزب حزب شدند: ﴿وَكُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾.

در این میان، افراد طمعکاری به دلیل مصالح شخصی برخاستند و مردم را به سوی خودشان به نام خلافت فراخواندند در حالی که شایستگی آن را نداشته و فاقد شرایط لازم بودند، پس مردم به دور آن‌ها جمع شدند و عقایدشان رواج پیدا کرد.

افراد دیگری قیام کردند و مردم را به این آراء و افکار خلاف فرا می‌خواندند. در حالی که خدا برای آن، هیچ دلیلی نازل نکرده بود، پس واجب است از آن‌هایی که به دنبال سود خویشند و به هر طرف که بادی می‌وزد روی می‌آورند بپرسیم: آیا دین اسلام به طبع و طبیعت خود، تقسیم و تفرقه و تشتت را می‌پسندد یا این که اسلام تنها دینی است که اساس آن، بر وحدت و اتحاد و نهی از تفرقه و اختلاف است؟

برای این که جواب این سؤال را بدانیم، به قرآن کریم مراجعه می‌کنیم و در می‌یابیم که خداوند متعال در آیه ۵۲ سوره مؤمنون در پاسخ به این سؤال تصریح کرده است:

﴿وَإِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً﴾

همانا این امت شما، امت واحد است.

در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران نیز می‌خوانیم:

﴿وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ﴾

«همگی به ريسمان خدا چنگ زنيد و گروه گروه نشويد و از تفرقه بپرهيزيد و نعمت خدا را بر خود ياد كنيد كه آن گاه كه با يكديگر دشمن بوديد پس ميان دل‌هاي شما پيوند و الفت برقرار كرد، در نتيجه به رحمت و لطف او با هم برادر شديد و بر لب گودالي از آتش بوديد پس شما را از آن نجات داد؛ خدا اين گونه، نشانه‌هاي خود را براي شما روشن مي‌سازد تا هدايت شويد.»

همچنین در آیه ۱۰ سوره حجرات آمده است:

﴿ إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ ﴾

به حقیقت مؤمنین برادران یک دیگرند.

غیر از آیات فوق، احادیث زیادی از رسول خدا ﷺ درباره موضوعی که به آن اشاره شد، رسیده است که به دلیل طولانی بودن از ذکر آن پرهیز می‌کنیم.

حال، جای سؤال دارد که بهر سیم به راستی، این تفرقه از کجا آمد؟ مذاهب چگونه درست شدند و چه طور مسلمانان در عقاید و احکامشان اختلاف پیدا کردند؟

واضح است که جواب این سؤال‌ها، شرح و تفصیل زیادی می‌طلبد و مناسب مقدمه کتاب نیست، لکن به جهت بی‌پاسخ نماندن این پرسش‌ها، در ادامه به طور خلاصه و مختصر توضیحاتی را خواهیم آورد.

خدای متعال پیامبرش حضرت محمد ﷺ را به عنوان رسول ﷺ برای مردم برگزید پس او با دین کامل و جامعی که متضمن سعادت دنیا و آخرت بود، به سوی بشر آمد و خدای متعال قرآن را برای مردم نازل کرد تا آنچه را که مردم در طی قرن‌ها از عقاید و احکام و اخلاق که به شکل اجمالی یا تفصیلی بدان نیاز دارند را در آن بیان کرده باشد. رسول خدا ﷺ نیز آنچه را که لازم بود، از قرآن تفسیر می‌کرد، به طور مثال خدای متعال بندگانش را به نماز، روزه، زکات، حج و ... امر کرد و رسول الله ﷺ برای مردم، واجبات نماز، تعداد رکعات آن، احکام روزه، اشیایی که زکات آن‌ها واجب است و مناسک حج و ... را بیان می‌کرد.

بدین ترتیب، هر آن‌که باید به رسول خدا ﷺ ایمان می‌آورد، ایمان آورد و آن‌که باید هدایت می‌شد، هدایت یافت. چرا که رسول خدا ﷺ خاتم انبیاء است و پیامبری بعد از او نیست و قرآن آخرین کتاب آسمانی است که خدای متعال آن را برای سعادت و هدایت بشریت نازل کرده است.

پروردگار، رسولش ﷺ را به سوی مردم فرستاد؛ زیرا شریعت اسلامی، آخرین شریعت الهی بوده و هست.

بدین ترتیب، حلالٌ مُحَمَّدٌ حَلَالٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ حَرَامُهُ حَرَامٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ
حلال محمد تا روز قیامت، حلال، و حرام او، حرام است و هیچ و تغییر و
تبدیلی در احکام اسلام نیست.

پس با آگاهی از این مستندات، باید پذیرفت که اسلام، دینی جامع برای تمام
جوانب زندگی بشر است، تا مردم، به دین یا قوانین دیگر یا شریعتی غیر از شریعت
اسلامی نیاز نداشته باشند.

جامعه مسلمین در عصر رسول الله صلی الله علیه و آله در حال شکل گیری و کامل شدن بود و
افکار جامعه از حیث شناخت و بررسی فلسفه احکام و غیره به رشد نرسیده بود.
چرا که عقاید فاسد مانند: جبر، تفویض، حلول، تناسخ، تثلیث، ثنویت و آنچه شبیه
آن است، در آن روز شناخته شده نبود پس به ناچار باید افراد کافی و انسان های
شریفی به خاطر این امر مهم بومی خاستند. تا برای نسل های آینده، که بعد از رسول
خدا صلی الله علیه و آله می آیند، جهت رفع شک و شبهه و پاسخ به سؤال های منحرفین و حل
مشکلات علمی و مسایل فقهی، آمادگی لازم را داشته باشند زیرا احکام مجهول
بی شماری نزد مسلمین در قضایا و امور مختلف وجود داشت. پس ضروری است که
مؤمنین برای پرکردن کاستی ها و حفاظت دین از خطرهای احتمالی، به رهبری اقتدا
کنند.

همان طور که یک مدرسه ابتدایی نیاز به مدیر دارد، حکومت نیز به رئیس یا رهبر
نیازمند است و قطعاً گله گوسفندان به چوپان احتیاج دارد.

جامعه اسلامی برای رسیدن به اطمینان، امنیت و استواری به رهبری خیره که
دارای شایستگی و شرایط هدایت صحیح باشد نیاز دارد تا بتواند به او اقتدا کرده و
تحت لوای ایشان قرار بگیرد.

آیا می توان تصور کرد که حکومت و جامعه بزرگ اسلامی، نیاز به رهبر و امیر
نداشته باشد. در حالی که لازمه بقا، اقتدار و پایداری حتی در یک اجتماع کوچک،
وجود سرور و بزرگی کاردان، و راهبر است. روشن است که جواب این سؤال نه
است.

ما می‌گوییم: علم رسول خدا ﷺ به لحاظ معرفت و حکمت و بصیرت به امور، اعلم بر افراد عالم است و آیا این عقلانی است که این پیامبر حکیم عارف عالم، اُمتش را بدون رهبر و امام رها کند؟

اگر ما اهمال امور امت را به سید انبیا نسبت بدهیم، به او ظلم کرده و تهمت زده‌ایم چراکه رسول خدا ﷺ مراعات این امور را کرده، این جوانب بزرگ را در نظر گرفته و کسی را تعیین نموده است که جایگزین او بعد از خودش باشد.

این در حالی است که عده‌ای گفته‌اند: رسول الله ﷺ امر شورا را در بین اُمتش قرار داد که آن‌ها هر کسی را خواستند، اختیار کنند تا او برای خلافت و رهبری مسلمین خود را آماده کند!

سبحان الله! چقدر این قول دور از واقعیت است!

چگونه رسول خدا ﷺ چنین کرده است، در حالی که می‌فرماید: به زودی اُمتم بعد از من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می‌شوند؛ یک فرقه در بهشت و بقیه در جهنم هستند.^۱ آیا معنی حرف آن‌ها این نیست که پیامبر ﷺ کسی است که به اختلافات کمک کرده است و سبب تفرقه بین مسلمانان شده است.

آیا معنی آن این نیست که در دین اهمال و کم‌کاری کرده است.

بله، رسول الله ﷺ از دینی سخن می‌گوید که به‌خاطر آن، هر چیز ارزنده‌ای را که داشت فدا کرد و تمام رنج‌ها را برای به‌پاداشتن آن تحمل کرد تا جایی که گفت: هیچ پیغمبری آن‌گونه که من اذیت شدم، توسط قوم خود آزار نشد.

بله، رسول خدا ﷺ در راستای اموری که لازم و واجب بود، قیام کرد و بهترین تدبیر را برای جلوگیری از هر گونه جدایی در اسلام انجام داد و برای آنچه مسلمانان از تمام سرزمین‌های به آن نیاز داشتند، برنامه‌ریزی کرد و ابزار حفاظتی را در مقابل هر انحراف اعتقادی و نفوذ فکری قرار داد که آن، از طریق نصب ائمه و

۱- تاریخ این حدیث در تمام کتاب‌های اهل سنت آمده است مانند جامع‌الصغیر سیوطی - المستدرک علی الصحیحین

تعیین آن‌ها بعد از اوست. پس دعوت او به توحید و نبوت، بستگی به دعوت ایشان علیهم السلام به امامت و خلافت بعد از خودش داشت.

واضح است که رسول خدا صلی الله علیه و آله برای نصب خلیفه از طرف خود به پیروی از هوای نفسانی و عواطف پیش قدم نشد - رسول بزرگوار خدا صلی الله علیه و آله از این امور به دور است. - بلکه تعیین خلیفه از طرف خدای حکیم خبیر بصیر انجام می‌گیرد، آن کسی که از درون و ضمیر انسان‌ها باخبر است و عواقب امور را می‌داند. از آن‌جا که خلافت بعد از نبوت است پس داشتن پایداری کامل و شایستگی و استعداد برای قیام به آنچه که این مقام محکم عالی طلب می‌کند، از ضروریات است. در واقع رسول خدا صلی الله علیه و آله برای این مهم در اوایل بعثتش قیام کرد؛ روزی که در مکه بود و بی‌شک تعداد مسلمین در آن روز بسیار اندک بود.

فقط پیامبر می‌تواند خلیفه تعیین کند

﴿وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ﴾^۱

«خویشاوندان نزدیک خود را از عاقبت اعمال زشت بترسان.»

هنگامی که این آیه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه السلام را به خلافت، امامت و ولایت منصوب کرد. ایشان علیه السلام در جلسه‌ای که برای حدود چهل نفر از خویشاوندان خود بر پا کرده بود، علی علیه السلام را به عنوان وصی، ولی و وزیر خویش برگزید که داستان آن مفصل و مشهور است و در بیشتر کتب تفسیر در مورد این آیه ذکر شده و در اکثر کتب احادیث از شیعه و سنی نوشته شده است.^۲

رسول خدا صلی الله علیه و آله در بین سال‌های نبوتش در راه تثبیت قواعد امامت و خلافت کوشش بسیاری نمود، آن‌گونه که فرمود:

«إِنِّي تَارِكٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عِترَتِي أَهْلَ بَيْتِي وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّىٰ

۱- سوره شعراء، آیه ۲۱۴

۲- تاریخ طبری، ج ۲، ص ۳۱۹-۳۲۱، تاریخ ابن الاثیر الشافعی، ج ۲، ص ۶۲

مسند احمد بن حنبل، ج ۱، ص ۱۱۱.

يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ، وَإِنَّكُمْ لَن تَضِلُّوْا مَا إِن تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا»

من در بین شما دو چیز گران‌بها می‌گذارم، کتاب خدا و عترتم و آن‌ها هرگز از یک‌دیگر جدا نمی‌شوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند و اگر شما به آن‌ها تمسک جویدید، هرگز گمراه نمی‌شوید.^۱

دگر بار با صدای بلند در روز غدیر خم فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ، فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ» هر کس من مولای او هستم، علی نیز مولای اوست.^۲

پس از آن با تأکید و تکرار فرمود: «الْأَيُّمَةُ بَعْدِي إِثْنِي عَشَرَ كُلُّهُمْ مِنْ قُرَيْشٍ

«امامان بعد از من ۱۲ نفرند و تمام آن‌ها از قریش هستند.»^۳

این از نصوص و تصریحات امامت و ائمه (علیهم‌السلام) است. خلافت و خلفاء، از آن دسته مسایلی است که ذکر آن به طول می‌انجامد. اما در کتب دایرةالمعارف احادیث موجود است.

پس از وفات رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) امور دگرگون شد و اوضاع تغییر کرد و بخش عمده‌ای از سعی و تلاش پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در این راه از بین رفت. برخی مانع تصدی امام علی (علیه‌السلام) در امور خلافت و اداره امور شدند و بین او و تحقق امور و نتایج آن حایل گشته و او را خانه‌نشین کردند و امکانات را از او گرفتند و با او به هر روش و نحوی به جنگ اقتصادی - سیاسی پرداختند و سرانجام نیز ایشان را به شهادت رساندند. همین‌طور امامانی که بعد از او آمدند سرنوشتشان مانند سرنوشت امام

۱- صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۸۷۲ - فضایل الصحابة، باب ۴، حدیث ۳۶، ص ۲۴۰۸ - صحیح الترمذی، ج ۵، صص ۶۶۲-۶۶۳، المناقب، احادیث ۳۷۸۶ و ۳۷۸۸ - سنن الدارمی، ج ۲، ص ۴۳۱ - فضایل القرآن - المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۰۹ - این مطلب در بسیاری دیگر از منابع آورده شده است.

۲- الغدير، علامه محقق کبیر شیخ امینی

۳- صحیح مسلم، ج ۳ - المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۵۰۱ - حلیة الاولیاء، ج ۴، ص ۳۳۳ - فضایل خمسة من الصحاح الستة، ج ۲، ص ۲۳-۲۴.

علی علیه السلام بود. با این حال، واقعیت چنین است که پیامبر صلی الله علیه و آله امت اسلامی را بدون رهبر وانگذاشت بلکه جانشینان و ائمه دوازده گانه علیهم السلام را تعیین کرد و هر وقت یکی از آنها غایب می شد، ستاره دیگری طلوع می کرد.

این کتاب، درباره یکی از ائمه علیهم السلام گفتگو می کند و شامل بعضی جوانب زندگی درخشان او و مزایا و مواهب و فضایل و مکارم اوست.

از خدای تبارک و تعالی می خواهم این کوشش ناچیز را برای خواننده گرامی نافع و مفید قرار دهد و ذخیره ای برای من باشد در روزی که مرا وارد آرامگاه ابدی می نمایند تا نوری در وحشتم و انیسی در غربتم باشد و شفیع روز حشر و نشر من گردد.

همانا او رحیم ترین رحم کنندگان است و خدا برای ما کافی است که او وکیل خوبی است.

محمد کاظم قزوینی موسوی